

فاصله سود بانک‌ها در بورس با واقعیت؛ کمرکشان راه شیری!

صفحه ۸ را بخوانید

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تورن ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۲۸۴۰
سماهنامه ۱۴ مرداد ۱۳۹۹
۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۱
۴ اگوست ۲۰۲۰
شماره ۳۱۰۲

چرا سینما و تلویزیون نتوانستند
واقعیت‌های دوران مشروطه را نشان دهند

دوربین روی بالاشهر مشروطه

۱۳، ۱۲

www.fdn.ir | Tue | 4 Aug 2020 | 16 Pages



در روزهای اخیر بحث‌هایی درباره نگاه مرحوم هاشمی به تجمل‌گرایی داغ شده برای بررسی این موضوع سراغ روایت شخصی هاشمی در کتاب خاطراتش رفتیم

منشور مائو تجمّل

سفیر سابق ایران در نروژ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

آمریکا از قرارداد ایران و چین شوکه شده

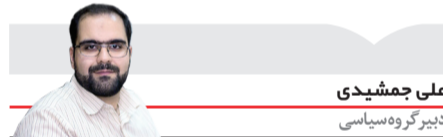
وزیر بهداشت اعلام کرد زمان برگزاری کنکور سراسری دیگر به تعویق نمی‌افتد

کنکور پاپس نکشید

یک پلاک دیگر از دماوند هم وقفی اعلام شد

وقف دماوند بدون توقف

کفت‌وگو



در اوج کارزار فشار حداکثری و در فاصله حدوداً ۹۰ روزه تا فرارسیدن اکتبر و اولین بند غروب توافق هسته‌ای، آمریکایی‌ها موج جدیدی از فشار به ایران را آغاز کرده‌اند؛ موجی که حالا بیشتر بر توافق نصفه‌ونیمه ایران با چین متمرکز شده و تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا این توافق نهایی نشود. شاید پرسید این توافق چه ربطی به ماجرای تحریم‌های تسلیحاتی ایران دارد؟ پاسخ ساده است، آمریکا هیچ‌گونه رابطه‌ای میان ایران و چین را نمی‌پذیرد، چه آنکه این رابطه اقتصادی باشد و موجب خلاصی ایران از فشار حداکثری و چه آنکه سیاسی و حقوقی باشد برای حمایت چین از ایران در مجامع بین‌المللی چون سازمان ملل و جلوگیری از تمدید تحریم‌های تسلیحاتی. در این خصوص روز گذشته مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگویی با فاکس نیوز، توافق ایران و چین را تهدیدی برای خاورمیانه دانست و خواهان ایجاد اجماعی برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران پیش از فرارسیدن ماه اکتبر شد. علاوه بر او، مایکل سسینگ، دبیر ارشد پیشین امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی آمریکا نیز به نیویورک تایمز گفت که هم‌زمان آمریکا باید با افزایش هزینه‌ها، توافق ۲۵ ساله ایران و چین را در حد حرف نگه دارد. علاوه بر این اظهارنظرها، چندی پیش برایان هوک، مسئول گروه اقدام ایران در وزارت امور خارجه آمریکا هم در سفری دوره‌ای به برخی کشورهای منطقه تلاش کرد آنها را در مسیر تلاش برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران همراه کند. برایان هوک و دیگر مقامات آمریکایی تلاش می‌کنند رفع تحریم‌های تسلیحاتی ایران را مساوی نابودی کشورهای عربی توصیف کرده و در این مسیر همکاری ایران با چین را هم زمینه‌ساز افزایش توانمندی‌های تسلیحاتی ایران عنوان کنند. در این دستورکار افزایش رعب و وحشت محور اصلی رایزنی‌ها و تلاش‌های آمریکا در کشورهای عربی است و امید به فعال شدن آنها علیه ایران هدف نهایی. برای بررسی بیشتر این موضوع با عبدالرضا فرجی‌راد، استاد ژئوپولیتیک و سفیر سابق ایران در نروژ و مجارستان به گفت‌وگو نشستیم و برنامه آمریکایی‌ها در منطقه را بررسی کردیم. مشروح این گفت‌وگو در ادامه از نظر می‌گذرد.

سفیر سابق ایران در نروژ در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به این سوال پاسخ داد: چرا آمریکایی‌ها توافق ایران و چین را تهدیدی برای منطقه عنوان می‌کنند؟

آمریکا از قرارداد ایران و چین شوکه شده

است، لذا فعال شده‌اند و مصاحبه می‌کنند و کشورهای دیگر را تحریک می‌کنند.

آمریکا تلاش می‌کند امارات را جایگزین ایران کند

برنامه آمریکا به‌طور مشخص در امارات چیست؟ چین با امارات روابط نزدیک و پر حجمی دارد. حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال رابطه تجاری و اقتصادی این دو کشور است که خب رقم بالایی است. در واقع باید گفت توان امارات در بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس توان بالایی است، لذا به نظر من، آمریکایی‌ها می‌خواهند میانبر بزنند که اماراتی‌ها وارد مذاکره با چین شوند تا آن کاری که چین می‌خواهد با ایران انجام دهد با امارات جلو ببرد و توافق ۲۵ ساله با ایران به هم بخورد.

البته احتمالاً بعداً این اتفاق می‌افتد که پس از عقب‌نشینی چین از توافق با ایران، به اماراتی‌ها بگویند به تدریج چین را رها کنید. از این رو به نظر آمریکایی‌ها می‌خواهند به چین کمک بزنند.

بحث آخر در این زمینه هم که به نظر می‌رسد از اهداف سفرهای منطقه‌ای افرادی چون برایان هوک باشد، این است که آمریکا می‌خواهد با ایجاد یک هماهنگی میان کشورهای عربی، به واسطه آنها به چین فشار سیاسی وارد کند تا پکن از امضا و اجرای توافق با ایران منصرف شود و البته در ماه‌های آینده هم به حمایت از ایران نپردازد.

اعراب و رژیم صهیونیستی به چین فشار می‌آورند تا همکاری با ایران را متوقف کند

بالاخره آمریکا تحت یک شرایط خاصی است؛ چند ماهه با انتخابات بیشتر باقی نمانده است، امکان توفیق آنها در این چندماه چقدر است؟

عرب‌ها نگران این مساله هستند و لذا به نظر من فعال خواهند شد و با آمریکا همراهی می‌کنند. برخی کشورهای عربی برنامه درازمدتی برای همکاری با چین تعریف کرده‌اند، لذا قطعاً اعراب در همان قالب فعالیت‌های خود را با چین افزایش می‌دهند و از سوی دیگر کار سیاسی می‌کنند تا در کنار فعالیت‌های اقتصادی، به چین فشار وارد کنند.

به عبارت دیگر ممکن است برخی قراردادهاشان را کنند کنند تا چیزی به متوجه شوند اگر بخواهند با ایران کار کنند نمی‌توانند با اعراب بیه همکاری ببرند. در این سه‌ماه باقیمانده قطعاً فعالیت‌های پمپئو، برایان هوک و کاخ سفید و تبلیغات آنها در این

رابطه افزایش می‌یابد و متحدان آمریکا فعالیت گسترده‌تری پیدا می‌کنند، به ویژه صهیونیست‌ها هم که رابطه‌بندی با چین هاندازند، آنها را فعال می‌کنند.

یعنی چینی‌ها به این مسائل واقف نیستند؟

من فکر می‌کنم چینی‌ها این بررسی‌ها را کرده‌اند و می‌دانند آمریکا از این به بعد آنها را رها نخواهد کرد. آنها می‌دانند چالش با آمریکا کوتاه‌مدت نیست، حتی میان‌مدت نیست. می‌دانند آمریکا یک برنامه درازمدت برای مواجهه با چین دارد و نمی‌خواهد اجازه دهد چین فعال‌میشود در منطقه. علاوه بر غرب آسیا، در شرق دور، در دریای جنوبی چین هم آمریکا فعال شده و برای مثال ویتنام را تحریک کرده تا در قضیه درگیری دریای جنوبی چین به نفع آمریکا موضع‌گیری کند.

مشکل از سیاست‌های ماست

چینی‌ها همیشه محافظه کارانه رفتار کرده‌اند. با توجه به جنگی که اشاره کردید، ممکن است تحت شرایطی از توافق با ایران کوتاه بیایند؟

در این زمینه مشکل از خود ما است. ایران به صورت یکپارچه درباره یک استراتژی برنامه‌ریزی نمی‌کند. چینی‌ها اگر مطمئن شوند ایران پای کار است و در داخل این مساله به صورت هماهنگ بین دستگاه‌های مختلف انجام شود و مردم به خوبی توجیه شوند، می‌مانند و توافقات را اجرایی می‌کنند.

اما خب فعلاً در این امر مردم به خوبی توجیه نمی‌شوند و حتی روشنفکران ما هم مقالاتی می‌نویسند و اقتصاد چینی را به ضرر ایران می‌خوانند، در صورتی که اصلاً بحث این نیست که ایران صرفاً با چین کار کند. ایران یک کشور وسیع است که ظرفیت‌های بالایی دارد و می‌تواند با بسیاری از کشورهای قراردادهای بلندمدت داشته باشد.

چین با ده‌ها کشور دنیا کار می‌کند و بعد از انجام قرارداد‌های بلندمدت مثلاً وقتی بعد از پنج سال به هر کدام از این کشورها که می‌رویم، می‌بینید آن کشورها زبور شده‌اند.

الان پاکستانی‌ها قراردادی بلندمدت با استراتژیک ۴۶ میلیارد دلاری با چین دارند و تلاش می‌کنند تمام کشور را به واسطه آن توسعه دهند. آنجا چینی‌ها فعال شده‌اند، راه آهن و تونل در مسیرها و کوه‌های صعب‌العبور احداث می‌کنند و از این طریق می‌خواهند غرب چین را به اقیانوس هند وصل کنند. چین نان خود را می‌خورد و پاکستان که کشوری فقیر است از این امر سود خود را می‌برد،

لذا همه باید به این مسائل دقت کنند. اینها در دنیای امروز امور مرسوم است، علاوه بر اینکه در خیلی زمینه‌ها چینی‌ها از اروپا و آمریکا جلوتر هستند. چینی‌ها نظم بسیار خوبی دارند و این نظم را می‌توانند به مامان منتقل کنند. مهندسان و تکنسین‌های مامی می‌توانند از فناوری‌های آنها استفاده کنند و تکنولوژی را در جهت استقلال مملکت به کار گیرند. خب برخی منتقدانه می‌گویند که چرا چین؟ خب اگر چین نباشد، پس کدام کشور را جایگزین کنیم؟ روسیه این توان و تکنولوژی و سرمایه را ندارد. با اروپا هم ما آماده همکاری هستیم ولی آنها نمی‌خواهند کار استراتژیک و طولانی مدت با ما داشته باشند.

با کمک چینی‌ها باید شهرهای جدیدی در جنوب کشور ایجاد کنیم

به عنوان آخرین نکته می‌خواهم بحث مهمی را در خصوص توسعه کشور مطرح کنم. ببینید، نیمی از کشور ما یعنی مناطقی در شرق و جنوب، همچنان توسعه نیافته هستند، با وجود اینکه ظرفیت‌های بالایی دارند. این مناطق وضعیتی دقیقاً مشابه اکثر کشورهای منطقه دارند؛ یعنی بیابانی هستند، ولی خب برعکس این کشورها که از بیابان به نحو احسن استفاده می‌کنند، ما استفاده لازم را از این مناطق نمی‌بریم. برای مثال می‌گویم که آیا امارات غیر از بیابان و کویر چیست؟ اما ظرف مدت چندسال همین بیابان و کویر را تغییر جدی داده‌اند. خب چرا ما نتوانیم این کار را انجام دهیم؟ باید بخشی از جمعیت عظیم کشور را به سمت شهرهای جدیدی در سواحل جنوب و مناطق شرق کشور هدایت کنیم. با ایجاد شهرهای جدید و کسب و کارهای جدید انگیزه حضور به مردم بدهیم؛ همانند ۵۰ سال پیش کشور امارات. در کنار آن، برای توسعه این مناطق باید قرارداد‌های بلندمدتی مثلاً ۲۵ ساله با کشورهای دیگر اعم از کشورهای همسایه ببندیم. ترکیه ظرفیت بالایی دارد. حتی اگر کشورهای اروپایی آمادگی همکاری دارند، با آنها قرارداد ببندیم. من از روشنفکران منتقد می‌پرسم این کشور باید چطور توسعه بیابد؟ چطور ۶ میلیون دانشجوی مامی می‌توانند صاحب شغل شوند؟ روشنفکرانی که انتقاد می‌کنند، باید این را پاسخ دهند که این مملکت چطور توسعه یابد؟ چطور باید فناوری در این کشور بیابد؟ نهایتاً اینکه معتقدم مشکل دیگر این است که ما در کشورمان چین‌شناس کم داریم؛ یعنی کسانی که در چین میدانی و پژوهی می‌کنند و می‌دانند چین چقدر توسعه یافته است و چقدر به فناوری پیشرفته دسترسی دارد. ما هر چه بخواهیم چین دارد. برخی در روزنامه‌ها نوشته‌اند تکنولوژی نفت و گاز چین ضعیف است. من این را قبول دارم، ولی اینها پیمانکاری می‌دهند؛ مثلاً اگر توانمندی پژوهی در توسعه یکی از فازهای پارس جنوبی نداشته باشند یا ضعیف باشند، از نروژ کمک می‌گیرند؛ چیزی که در دنیا مرسوم است.

نگار: سیدوحید حسینی / فرهیختگان

